

مشهد پیش از ثبت روزی به نام **درخت‌کاری در تقویم دارای باغ‌ها و جنگل‌های فراوانی** بوده است

مرثیه‌ای برای درخت‌هایی که نیستند



بولوار ملک آباد و درختان به خاطره پیوسته اش/ دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی



نمایی از نهرنادری و درختان چنارش / دهه ۲۰ قرن ۱۴ خورشیدی



باغ نادری ومجسمه نادرشاه در محاصره درختان/ دهه ۴۰ قرن ۱۴ خورشیدی

کمال سیستانی

حرف زدن درباره تاریخ و پیشینه روز درخت‌کاری در مشهد، چیزی برابر با مرثیه خواندن برای لشکری به پهلو افتاده است. لشکری بی‌نهایت از درختانی که دیگر نیستند واسمشان را می‌توان تنها در اسناد و اخبار مطبوعاتی قدیمی دید. این عنوان را اگرچه ناصرالدین شاه تصمیم داشته به تقلید از فرنگی‌ها به تقویم‌ها اضافه کند، اما ثبت آن تا سال ۱۳۱۴ خورشیدی به درازا می‌کشد، اتفاقی که آن هم تقریباً برای شهرهای مهم ایران نظیر مشهد،

● پاییز ناتمامی که به جنگل‌های مشهد زد جنگل‌های اطراف مشهد، این سه کلمه را اگر این روزها برگردید و به یکی بگویید، اول چشم‌هایش گرد می‌شود، بعد احتمالاً می‌گوید: «جنگل؟» و در ادامه هم جمله «کو؟ کجاست؟ شوخی می‌کنی!» را می‌آورد و همه می‌دانیم حق دارد و خیلی عجیب است، اما جنگل‌های مشهد یا حتی بهتر است بگوییم، جنگل‌های خراسان تا همین یک قرن پیش وجود داشته و نفس می‌کشیده‌اند، ولی به‌دلایلی نابودمی شوند که مهم‌ترینش، تهیه زغال سنگ مصرفی برای گرم کردن کرسی‌ها و اجاق‌های زمستانی است.

روزنامه اطلاعات در ۱۶ اسفند ۱۳۰۹ خورشیدی خبری بابتیر« جنگل‌های خراسان» چاپ می‌کند و می‌نویسد: «طبق راپرت واصله، جنگل‌های خراسان بیشتر اشجارش(درختانش) را اشخاص تهیه‌کننده زغال استفاده می‌کنند و در بعضی از قراء و قصبات(آبادی و دهات) نیز از تیرهای درختان برای ساختمان عمارت استفاده می‌کنند.» این روزنامه یک سال بعد در آذرماه هم چنین منتشر می‌کند: «همان‌طور که حدس زده می‌شد، زغال دارد گران می‌شود، اگرچه به واسطه آزاد بودن، نسبتاًبیشتر از سابق در دسترس مردم هست، ولی به قراری که علاف‌ها معترض هستند علت گرانی زغال، منع سوختن و استفاده از جنگل‌های بجنورد است، در حالی که جنگل‌های ارس و بید در هزار مسجد و اطراف مشهد را مأمورین مالیه مجاز در سوختن کرده‌اند. البته آقای والی معظم و آقای پیشکار محترم مالیه در این قسمت، مطالعات و تصمیمات خواهند فرمود ما نیز اطلاعات خود را در آتیه تکمیل می‌نگاریم.»

● وقتی خیابان‌ها، باغ‌های مشهد را خوردند مشهد اما سوای جنگل‌های بیرون حصار و باروی خود، اوایل قرن گذشته در دل کوچه پس‌کوچه‌هایش هم باغ‌های فراوانی داشته که تعدادشان براساس پژوهش دکتر رحیم‌رهما در کتاب «شناسایی و وجه تسمیه محلات و اماکن عمومی بافت قدیم شهر مشهد» ۸ عدد بوده که حالا انگشت شمارشان پشت دیوارهای سیمانی باقی‌مانده است. مهم‌ترین دلیل از میان رفتن این باغ‌ها را هم باید گسترش شهر و ایجاد خیابان‌ها و معبرهای جدید دانست. در واقع خیابان‌کشی و تغییر بافت کوچه

که یک نهالی به صد دینار قیمت به جای آن‌ها بزنند. مگر شما نمی‌دانید که همه شما را در این معبر، حق مساوی هست؟» ● زنگ خطر کمبود فضای سبز در صد سال پیش این دست اقدامات به مرور شهر ما و خراسان ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی را با مشکل فضای سبز روبه‌رو می‌کند، آن‌چنان‌که اداره کل فلاحت در سال ۱۳۱۰ ناچار می‌شود فردی به نام «مسئو نیکه» را که متخصص جنگل‌بانی بوده به ایران دعوت کند تا درباره جنگل‌های خراسان و مراقبت از آن مطالعه و مسئولان وقت را راهنمایی کند. ● نخستین فضای سبزی که در مشهد ایجاد شد جالب است بدانید که تا این زمان هنوز روزی به نام «درخت‌کاری» به صورت رسمی در تقویم‌ها وجود ندارد، ولی اوضاع آن قدر خراب شده که بلدیّه در اواخر فروردین ۱۳۱۰ خورشیدی، نخستین فضای سبز مشهد را با گل‌کاری میدان ارگ، کلید می‌زند. جریده اطلاعات از این روز چنین خبر می‌دهد: «از طرف اداره بلدیّه، وسط میدان ارگ را مشغول اصلاح و گل‌کاری می‌باشند و برای اینکه باغچه‌ها پامال نشده و مردم گل‌ها را نچینند، مقرر شده است که اطراف آن را محجر(حصار) چوبی بکشند. برای زیبایی و قشنگی میدان ارگ که گردشگاه عمومی است، این کار به موقع می‌باشد.»

- ایجاد نخستین باغ عمومی

۵۱سال بعد از این، با از بین رفتن باغ‌ها در بالاخیابان که نخستین خیابان مشهد بوده و به دلیل واقع بودن در مسیر حرم بیشترین تغییرات را به خود دیده، ایجاد باغی عمومی به یک مطالبه مردمی تبدیل می‌شود. در سندی که از ۲۵ آبان ۱۳۱۵ باقی‌مانده، آمده است که: «نظر به اینکه در قسمت خیابان صفوی و نوغان که قسمت مهم توده و اهالی مشهد در آنجا سکونت دارند، باغی که محل تفرج عمومی باشد، نیست. ایجاد تفرجگاهی در این نقطه شهر مورد توجه شهرداری شده، برای همین در خارج دروازه، منازل سیستانی‌ها را که بد منظره بوده، اخیراً خراب کرده و طرح باغی را در آنجا افکنده‌اند و یک قسمت نهر خیابان را برای انجام این مهم گرفته‌اند.»

- ثبت روزی به نام درخت‌کاری در تقویم

اما اسناد می‌گویند این قبیل اقدامات اصلاحی در مقابل تخریب گسترده باغ‌ها و قطع درختان آن‌قدر ناچیز بوده که بلدیّه

بالاخره در سال ۱۳۱۴ متوجه به صدا درآمدن زنگ خطر می‌شود و تصمیم می‌گیرد مردم را به تبعیت از پایتخت، تشویق به درخت‌کاری و ایجاد فضای سبز شهری کند. این چنین است که اواخر فروردین ۱۳۱۴ دستور درخت‌کاری در ۵ ماده از طریق جراید به مردم ابلاغ می‌شود. در بخشی از این اعلان که وزارت معارف آن را منتشر و به همه ادارات ایالات صادر و ابلاغ کرده، چنین آمده است: «نظر به اینکه عرس اشجار مفید در مملکت موجب ایجاد صنایع طبیعی و تهیه آسایشگاه‌های عمومی و تولید هوای سالم فرح‌بخش و بالاخره پیروی از کردار نیک پیشینیان است، لازم و بلکه از وظایف حتمیه کلیه افراد این مملکت است و باید هر کس به‌فراخور استعداد خود در اجرای این منظور کوشش کند. بنابراین به جهت فوق‌الذکر فلا برای اولین دفعه لازم است مراتب را به هر یک از نقاط تابعه حوزه مأموریت خود ابلاغ و دستور مطابق مقررات ذیل عمل نمایند که در ابتدا، به مقدار معین قبلاً نهال‌هایی به وسائل مقتضیه تهیه و در یکی از روزهای فروردین سال ۱۳۱۴ با حضور کلیه آموزگاران یادبیران و با تشریفات خاصی نهال‌ها در امکته‌ای (مکان‌هایی) که قبلاً تعیین شده است به وسیله محصلین دبیرستان‌ها و در نقاطی که دبیرستان ندارد به وسیله شاگردان کلاس ششم دبستان انجام باید.»

- روزی که بلدیّه به مردم نهال داد

بهمن‌ماه همین سال هم بلدیّه تصمیم می‌گیرد نهال درخت، وارد کند و در اختیار مردم بگذارد. او برای این کار دو نفر را مأمور می‌کند به کوهپایه و بیلاقات خارج شهر بروند و برای سبز کردن سایه خیابان‌های تازه ساخته شده، نهال بخرند. موضوع درخت‌کاری هم در نهایت به عنوان یک روز در تقویم ثبت می‌شود و از طریق مطبوعات به اطلاع عموم می‌رسد. روزنامه طوس در اسفند ۱۳۱۴ خبر تصویب روز درخت‌کاری را این‌طور درج می‌کند: «روز مخصوصی که در هر سال برای درخت‌کاری در کلیه نقاط کشور مقرر شده روز ۲۴ اسفند است... همچنین برابر اسناد موجود نخستین خیابان‌هایی هم که در مشهد درخت‌کاری می‌شوند اراضی سعدآباد و میدان جدید التّاسیس ورزش حوالی خیابان فوزیه(دانشگاه فعلی) بوده است. ناگفته نماند روز درخت‌کاری بعدها در

تقویم جایه‌جا و برای دوره‌هایی به اول آذرماه منتقل می‌شود تا اینکه در نهایت ۱۵ اسفند۱۳۴۶ در جسنی که شهرداری تهران بانی آن بوده است، این تاریخ برای کاشتن درخت، در تقویم ثبت و به رسمیت شناخته می‌شود. ● استقلال تاریخی مشهدی‌ها از درخت‌کاری اما با جا افتادن روز درخت‌کاری در میان مردم، میل به کاشتن نهال هر سال در میان مشهدی‌ها بیشتر می‌شود. این مسئله آن‌چنان مشهود بوده که شرکت فلاحتی خراسان در فروردین، ۱۳۲۰ تصمیم می‌گیرد نهال‌های همیشه سبزی مانند کاج و سرو را هر ساله تهیه کند و با قیمت بسیار کمی در اختیار مردم قرار دهد. شرکت فلاحتی خراسان سوای این، در ادامه به مردم ابلاغ می‌کند اگر کسی قصد ایجاد باغ میوه دارد، می‌تواند نهال‌های مورد نظرش را نوشته، به شرکت مراجعه کند تا آنان برای تهیه این مرغوب آن نهال مثمر اقدام کنند. گونه شرکت علاوه بر این، اعلام می‌کند که قسمت فنی شرکت فلاحتی حاضر است هرگونه اطلاعاتی نسبت به طرز کشت و فصل غرس اشجار و فواصل آبیاری و پیوندزنی و جلوگیری از آفات را مجانی در اختیار اشخاصی که از شرکت نهال خریداری نموده‌اند، قرار دهد.

- تربیت باغبان مشهدی

با رواج درخت‌کاری و تمایل مشهدی‌ها به ایجاد باغ، پیدا کردن افراد آشنا با کاشت گونه‌های مختلف درخت که سازگار با آب و هوای مشهد باشد، به یک مصل تبدیل می‌شود، زیرا هیچ کدام از نهادهای مسئول تا آن زمان به این موضوع توجهی نکرده بودند. تربیت باغبان، تنها راهکار رفع این کمبود بود، مسئله‌ای که اداره کشاورزی آن را مرداد ۱۳۲۰ در دستور کار خود قرار می‌دهد و یک آموزشگاه باغبانی در حوالی فریمان تأسیس می‌کند. در سند این اقدام می‌خوانیم که: «نظر به اینکه عمل باغداری در نقشه پنج‌ساله کشاورزی کشور موقعیت مهمی دارد و باغبان‌هایی که از روی اصول علمی این فن را بدانند، مورد احتیاج می‌باشند. طبق اطلاع حاصله اداره کشاورزی درصدد برآمده یک آموزشگاه باغبانی در بخش فریمان تأسیس نموده و عده‌ای باغبان تربیت و تهیه‌کند که اهالی بتوانند در مواقع لازم از وجود آن‌ها استفاده کنند.»



دو تصویر از روز درخت‌کاری در مشهد/ دهه ۷۰ قرن ۱۴ خورشیدی



خروج همیشگی سربازان انگلیسی از خاک ایران



بیات

نخستین اشغال رسمی ایران هم‌زمان است با جنگ جهانی اول. در ایران احمدشاه قاجار هجده ساله سه روز پس از آغاز جنگ اولین فرمان خود را مبنی بر بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول اعلام کرده است، اما دولت‌های درگیر در جنگ بی‌طرفی ایران را نادیده می‌گیرند. روسیه و بریتانیا پیش از آغاز جنگ، با قراردادی که در تاریخ به «معاهده ۱۹۰۷ سن پترزبورگ، معروف است، ایران را میان خود به دو منطقه نفوذ تقسیم کرده‌اند این است که یک سال پس از آغاز جنگ، ایران عملاً به اشغال قوای نظامی سه کشور درگیر در جنگ درمی‌آید. روس‌ها شرق آذربایجان، گیلان و مناطق وسیعی از مرکز ایران، از جمله قم و کاشان و نطنز و بخشی از استان اصفهان را اشغال می‌کنند. بخش‌های مهمی از جنوب کشور توسط قوای بریتانیا اشغال می‌شود. آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، همدان و بروجرد نیز به تصرف نیروهای عثمانی درمی‌آید. در آن دوره وقوع انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در روسیه، سبب می‌شود نیروهای روسیه ایران را ترک کنند. تخلیه ایران از سربازان روس و عثمانی با تقویت نیروهای انگلیسی در ایران و گسترش دامنه عملیات آن‌ها تا شمال کشور همراه است و تا پایان دوره حاکمیت پادشاهان قاجار و آغاز حکومت پهلوی‌ها ادامه می‌یابد. آن‌ها در نهایت دهم اردیبهشت ۱۲۰۰ پس از تشکیل دولت سید ضیاءالدین طباطبایی که از تأمین منافع خود در ایران آسوده‌خاطر می‌شوند، ۱۱ هزار و ۶۰۰ نیروی خود را از ایران خارج می‌کنند.

دوری سربازان انگلیسی از خاک ایران فقط ۲۰ سال طول می‌کشد. سحرگاه ۲۵ اوت ۱۹۴۱ (سوم شهریور ۱۳۲۰) درست ۱۱ روز بعد از انتشار منشور آتلانتیک که طی آن چرچیل و روزولت آزادی و استقلال و حق تعیین سرنوشت را برای کلیه ملل جهان به رسمیت می‌شناسند، کشور بی‌طرف ایران از شمال و جنوب مورد تجاوز قرار گرفت و نیروهای شوروی و انگلستان با توسل به همان شیوه‌هایی که به دشمنان خود نسبت می‌دادند، بار دیگر به ایران حمله می‌کنند. عملیات نظامی به این ترتیب آغاز می‌شود که نیروهای شوروی مرکب از دو تیپ پیاده‌نظام و موتوری تحت فرماندهی ژنرال نوویکوف Novikov در سه ستون وارد خاک ایران می‌شوند. ستون اول از رود ارس گذشته و پس از تصرف ماکو و خوی تا ساحل دریاچه ارومیه پیشروی می‌کند و سپس ارومیه و تبریز را تسخیر می‌کند. ستون دوم از آستارا و کرانه دریای خزر به‌سوی اردبیل و بندر انزلی سرازیر می‌شود و پس از تصرف رشت و چند شهر مهم گیلان و مازندران تا حدود قزوین پیشروی و در آنجا با ستونی که آذربایجان را تسخیر نموده، تلافی می‌کند. ستون سوم از طریق بندر ترکمن وارد خاک ایران می‌شود و گرگان و خراسان شمالی را تصرف کرده تا سمنان پیشروی می‌کند. از جانب دیگر نیروهای انگلیسی با فرماندهی ژنرال سر آرچیبالدوویل Sir Archibald Wavell فرمانده کل نیروهای انگلیسی تهاجم خود را از ناحیه غرب و جنوب غربی آغاز می‌کنند.

یک ستون از قوای مختلط انگلیسی و هندی در نیمه‌شب ۲۴ اوت از صره عزیمت و در نهایت سکوت و آرامش از اروندرود عبور می‌کنند و در سحرگاه روز بعد در ساحل ایران پیاده می‌شوند و به خرمشهر و آبادان حمله می‌کنند. در ۲۶ اوت نیروی هوایی انگلیس، اهواز را بمباران می‌کند و تعدادی از هواپیماهای ایرانی را در روی زمین از کار می‌اندازد. آنگاه قایق‌های شطی انگلیسی با بیست و هشت هزار سرباز از رود کارون بالا آمده به اهواز حمله می‌کنند. نیروهای ایرانی تحت فرماندهی سرلشکر شاه بختی‌تا حدودی مقاومت نشان می‌دهند و خساراتی هم به نیروی دشمن وارد می‌سازند، ولی سرانجام قوای مهاجم مقاومت ایرانیان را از بین می‌برند. ستون دیگری از ارتش انگلیس تحت فرماندهی ژنرال اسلیم Slim نیز در سحرگاه ۲۵ اوت از مرز خسروی عبور و تأسیسات نفت‌شهر را بدون برخورد با مقاومت جدی، تصرف و به‌سوی کرمانشاه پیشروی می‌کند. در اسلام‌آباد غرب (شاه‌آباد) توپخانه کوهستانی ارتش ایران از خود مقاومت نشان می‌دهد. با اینکه هواپیماهای انگلیسی مواضع ایرانیان را بمباران می‌کنند، اما نیروهای ایرانی تا صبح روز ۲۸ اوت که دستور رضاشاه مبنی بر ترک مقاومت به کلیه واحدهای ارتش ابلاغ می‌شود از پیشروی انگلیسی‌ها جلوگیری می‌کنند. پس از صدور این دستور بلافاصله قوای انگلیسی تأسیسات نفت کرمانشاه را اشغال و در ۳۱ اوت (۹ شهریور) در حومه قزوین به واحدهای ارتش سرخ می‌پیوندند. در برابر هجوم متفقین مقاومت ارتش ایران جز چند مورد کوچک، کاملاً بی‌اثر است و به این ترتیب ایران بار دیگر در طول جنگ ویرانگر جهانی دوم به اشغال قوای روس و انگلیس و سپس آمریکا در می‌آید.

بعد از چند سال اشغال ایران و خسارت بی‌شمار و پیامدهای مختلف آن، مسئله تخلیه ایران از قوای بیگانه مطرح می‌شود. این مسئله بین فاتحان جنگ یعنی استالین، ترومن رئیس‌جمهوری جدید و چرچیل (سپس اتلی نخست‌وزیر جدید انگلستان) در کنفرانس پونسدام (۱۷ ژوئیه تا ۲ اوت ۱۹۴۵) مطرح و در اعلامیه نهایی آن قید می‌شود. بر اساس این موافقت‌نامه قوای متفقین متعهد می‌شوند که بلافاصله تهران را تخلیه‌کنند، اما تخلیه ایران، منوط می‌شود به مذاکره در شورای وزیران سه کشور بزرگ که در سپتامبر ۱۹۴۵ در لندن منعقد خواهد شد.

سرانجام یک ماه بعد در کنفرانس وزیران خارجه سه دولت بزرگ «بوین» وزیر خارجه انگلستان پیشنهاد می‌کند طبق پیمان سه‌جانبه، نیروهای متفقین شش ماه بعد از خاتمه جنگ با ژاپن یعنی تا دوم مارس ۱۹۴۶ (۱۱ اسفند ۱۳۲۴) خاک ایران را تخلیه کنند. از این‌رو، در تاریخ یاد شده همه نیروهای انگلیسی ایران را ترک می‌کنند، اما نیروهای شوروی از تخلیه شهرهای ایران از جمله مشهد خودداری می‌کنند.

برگرفته از اسناد دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران منابع:

۱- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تألیف، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵، صص ۴۰۵ تا ۴۰۷ و ۴۲۲.
۲- باقر عاقلی، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۹، ص ۲۷۵.

منبع اسناد و تصاویر: کتابخانه ملی ایران